

جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

(مورد مطالعه: استان کرمانشاه)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲

سیدعلی عبادی نژاد^۲، ناصر بیات^۳، ابراهیم رستگار^۴ و حسین زمانی^۵

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش از یک سو از طریق مولفه‌های مطرح در ادبیات مطالعاتی رویکرد مدیریت یکپارچه شهری به شناخت و تحلیل جایگاه نیروی انتظامی در این زمینه می‌پردازد و از سوی دیگر به تأثیر تعاملات برون‌سازمانی پلیس با ۲۶ سازمان مختلف عهده‌دار مأموریت‌های سازمانی و نهادی گوناگون در اداره امور شهر در چارچوب دیدگاه مدیریت یکپارچه شهری می‌پردازد.

روش: نوع، پژوهش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است و ابزار آن پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری در بردارنده فرماندهان و مدیران انتظامی، مدیران و کارشناسان ارشد سازمان‌های متعدد شهری در استان کرمانشاه است که براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای تعداد ۱۶۸ نفر از آنها به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. از آزمون‌های توصیفی و استنباطی به‌ویژه آزمون‌های «تی تک نمونه‌ای»، «ضریب همبستگی پیرسون»، «آزمون خی‌دو» و «تحلیل عاملی اکتشافی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره‌گیری شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش بیانگر تأثیر عوامل سن، سطح تحصیل پاسخ‌گویان و سابقه خدمتی آنها بر تفاوت نگرش آنها نسبت به برخی از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری استان کرمانشاه است. براساس نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای از دیدگاه پاسخ‌گویان جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری استان کرمانشاه در همه مؤلفه‌های مورد نظر فراتر از حد متوسط معنادار است.

نتایج: جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در چارچوب ۷ عامل امنیت شهری مانند امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، قضایی، اقتصادی، و محیط زیست شهری قابل تبیین است. از سوی دیگر نقش تعاملات پلیس با ۲۱ سازمان دست‌اندرکار مدیریت شهری معنادار است.

کلیدواژه‌ها: نیروی انتظامی، مدیریت یکپارچه شهری، امنیت شهری، فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه

استاد: عبادی نژاد، سیدعلی؛ بیات، ناصر؛ رستگار، ابراهیم؛ زمانی، حسین (بهار، ۱۳۹۶). جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری (مورد مطالعه):

استان کرمانشاه. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت/انتظامی، ۱۲(۱)، ۲۹-۵۴.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی باعنوان «نیروی انتظامی و جایگاه آن در مدیریت یکپارچه شهری (مورد مطالعه: استان کرمانشاه)»

است که به سفارش دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه انجام شده است.

۲. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین.

۴. دکتری جغرافیای انسانی دانشگاه تهران. رایانامه: rastegarebrahim@gmail.com

۵. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مقدمه

امروزه مدیریت شهری با ذینفعان متعدد، منابع و اقدامات وابسته به یکدیگر، اهداف مشترک و مرزهای نامشخص میان بخش خصوصی و عمومی، رسمی و غیررسمی و بخش‌های جامعه مدنی و دولتی سروکار دارد (سازمان ملل، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۴). مفهوم امنیت در هنگام ادراک، دارای ابعاد ذهنی و عینی است، به گونه‌ای که واقعیت‌های موجود در این زمینه، با اعداد و ارقامی راجع به میزان وقوع جرم و جنایت بیان می‌شوند و همیشه در تطابق کامل با میزان احساس امنیت ساکنان (امری ذهنی و روانی) است. احساس امنیت به عنوان امری ذهنی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و روانی است. بنابراین به نظر می‌رسد که وظیفه شهرسازی تنها محدود به ارتقاء استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت نیست، بلکه رسالت شهرسازی برای ارتقاء سطح آسایش روانی شهروندان ایجاب می‌کند تا این دانش با مداخله مستقیم در فرآیند ادراک امنیت توسط ساکنان برای افزایش میزان احساس امنیت در آنها تلاش کند (چیما، ۱۳۸۲). از سوی دیگر شهر مدرن مملو از ناامنی و آسیب‌های اجتماعی است. تأمین امنیت شهری که در فضای باز و گسترده در ابعاد ده‌ها کیلومتر گسترش بی‌قواره و بی‌حدومرز پیدا کرده است، اگر محال نباشد، اما مشکل به نظر می‌رسد. به همین دلیل شهرهای بزرگ که ابعاد انسانی را پشت سر گذاشته‌اند و دچار تراحات و بی‌قاعدگی شده‌اند موجب ظهور آسیب‌های همه‌جانبه‌ای شده‌اند، به نحوی که در هیچ یک از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قادر به نظارت و کنترل رفتارهای نابهنجار و ایمن‌سازی محیط انسانی برای گروه‌های مختلف انسانی نیستند. به همین دلیل محیط‌های شهری، محیط‌های ناامنی تلقی می‌شوند (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۲). از این رو و بدون حضور و همکاری نیروی انتظامی امکان اداره هدفمند و بهینه شهر در حوزه‌های امنیت، برخورد با جرایم، مدیریت ترافیک و حمل‌ونقل درون‌شهری وجود ندارد؛ ضمن این که نیروی انتظامی یکی از پایه‌های اصلی و مؤثر در اداره شهر به‌شمار می‌رود. وظیفه ذاتی پلیس تأمین نظم و امنیت داخلی سرزمین است و فضاهای شهری بیشترین حجم مأموریت‌های پلیسی را در بر می‌گیرند. از اینرو برای

بالا بردن ضریب امنیت و آرامش شهر همکاری نیروی انتظامی و مدیریت شهری ضروری است (مشهدی تفرشی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). از سوی دیگر نبود حاکمیت مدیریت یکپارچه در نظام شهری ایران با تأکید بر حوزه امنیت شهری، وظایف عملکردی پلیس و مدیریت شهری را متأثر ساخته است. این مهم در شهرهای استان کرمانشاه نیز محسوس است. از این رو همکاری پلیس و سازمان‌های متعدد و تأثیرگذار در مدیریت شهرهای استان کرمانشاه و به‌ویژه مدیریت شهری دارای اهمیت است. بنابراین می‌توان گفت نیروی انتظامی، مدیریت شهری و شهروندان، سه وجه به هم پیوسته از موضوع امنیت و انتظام شهری را تشکیل می‌دهند و بی‌شک نقطه عطف میان عناصر سه‌گانه یادشده کلیدواژه امنیت در جامعه سالم است. حال پرسش این است که به‌طور بنیادین امنیت انتظامی به‌عنوان یک برون‌داد، چگونه می‌تواند ماحصل همکاری پلیس، مدیریت شهری و شهروندان در جامعه باشد؟ پاسخ این پرسش را باید در مفهوم مدیریت یکپارچه شهری جستجو کرد. این پژوهش به‌دنبال بررسی جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در استان کرمانشاه است. پرسش‌های اصلی این پژوهش این است که جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در استان کرمانشاه چگونه است؟ و جایگاه سازمان نیروی انتظامی در مدیریت یکپارچه شهری براساس نحوه همکاری و تعامل با هریک از سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های متولی بخش‌های مختلف اداره امور شهر دارای چه وضعیتی است؟

مبانی نظری: در ارتباط با ابعاد نظری پژوهش نخست به معرفی پیشینه پژوهش و سپس ابعاد نظری امنیت شهری و مدیریت یکپارچه شهری با تأکید بر موضوع امنیت پرداخته می‌شود. در بحث پیشینه پژوهش، به دلیل ماهیت ترکیبی این پژوهش، پژوهش مرتبط در دو بخش مدیریت یکپارچه شهری و امنیت شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش: قالیباف، حافظ‌نیا و محمدپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای باعنوان «نقش تقسیمات شهری در مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)»، دستیابی به توسعه یکپارچه و پایدار شهری و نیز خدمات‌رسانی هماهنگ و یکپارچه به فضای شهری را در گرو مدیریت یکپارچه فضای شهری دانسته و مدیریت یکپارچه فضای شهری را در گرو رعایت اصل تقسیم سلسله‌مراتبی فضای شهری می‌داند. امری که در کلان‌شهر تهران تحقق نیافته و بنابراین باید گفت که تقسیم

فضای شهری به صورت سلسله‌مراتبی می‌تواند به‌عنوان بسترساز شکل‌گیری مدیریت یکپارچه عمل کند. عزیزی، ابویی‌اردکان و نوری (۱۳۹۰) در پژوهشی با‌عنوان «نقش قوانین و مقررات در تحقق مدیریت یکپارچه در مجموعه شهری تهران» به این یافته رسیده‌اند که قوانین و مقررات بر مدیریت یکپارچه شهری در وضعیت موجود با وضعیت مطلوب دارای شکاف معنی‌دار است. همچنین یافته‌ها بیانگر تأثیر متفاوت عوامل عملکردی، ساختاری و سازمانی بر مدیریت یکپارچه شهری در وضعیت موجود با وضعیت مطلوب است. در نهایت پژوهش با ارایه بحث در مورد اهمیت قوانین و مقررات در مدیریت یکپارچه شهری به طرح راهکارهایی شامل ایجاد نظام مدیریت مجموعه شهری تهران و کاستن از تفرق سیاسی و عملکردی موجود، تدوین قانون ویژه مدیریت برنامه‌ریزی مجموعه شهری تهران و به‌کارگیری یک رویکرد جامع در تدوین قوانین شهری پرداخته است. دوبران و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی «مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرهای میانی ایران؛ موردپژوهی: زنجان و همدان» پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد در شهرهای میانی ایران مدیریت یکپارچه شهری عملکرد نیافته و مدیریت شهری دارای نگرش و کارکرد سنتی است و نتیجه این نوع نگرش ناکارآمدی طرح‌های ساماندهی و گسترش مسائل شهری در بافت‌های اسکان غیررسمی است. از طرف دیگر تشریح مساعی نهادی (هم‌افزایی نهادی) بعنوان پیش شرط پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه در حال حاضر در این شهرها نامناسب و در پایه چرخه حیات مدیریت یکپارچه شهری واقع شده است.

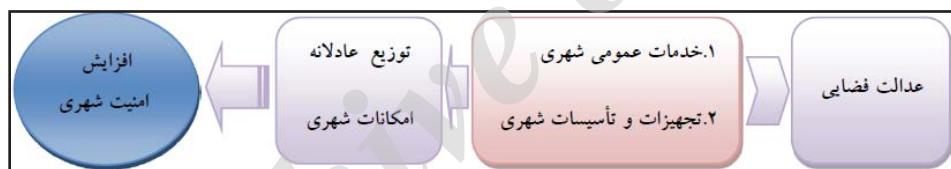
امنیت شهری: در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی همچون شهر گرد هم آمده‌اند، نظریات مختلفی ارائه شده است که یکی از این مسائل، امنیت و ابعاد ایمنی را در پیدایش شهرها مؤثر می‌داند. امنیت شهری^۱، به معنی فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان در محیط شهری است و از سه لایه اصلی و متکامل تشکیل شده که عبارت‌اند از: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی (کارگر، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۲). در ادبیات شهرسازی و مدیریت شهری، مفهوم امنیت به معنی امنیت شهری و امنیت در محیط شهر مطرح است. در سال‌های اخیر رسالت شهرسازی در زمینه ارتقاء سطح امنیت بیشتر، معطوف به

چگونگی طراحی فضاها و برنامه‌ریزی مناسب کاربری‌های شهری بوده است. در این راستا می‌توان به رویکرد (CPTED) ' در طراحی و برنامه‌ریزی محیط و منظر شهری اشاره کرد که در تلاش است تا با رعایت استانداردهای ویژه‌ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقا ایمنی در شهر و از آن راه احساس امنیت ساکنان آن کمک کند. امنیت اجتماعی و به‌طورکلی امنیت در شهرها، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. (صالحی، ۱۳۹۰).

در بسیاری از موارد، نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاصی به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده به این منجر می‌شود که فضاهایی امن و یا ناامن شوند. (ادیبی‌سعدی و عظیمی، ۱۳۹۰: ۸۳) «جین جاکوبز^۱» نظریه پرداز بزرگ شهری در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه کرده و بر فعال بودن فضا به‌عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند (الیاس زاده‌مقدم، ۱۳۸۹: ۴۴). واژه «امنیت» در کاربرد عام به‌معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶). امن بودن فضا خود دارای دو مؤلفه ایمنی و امنیت است. مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است و مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن‌ها دارد که در صورت تأمین نشدن شرایط پیشگیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به‌صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد کرد. یک فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل هر دو مؤلفه یادشده می‌شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به‌وجود آید را می‌توانیم به‌عنوان فضای شهری امن توصیف کنیم (کلی و همکاران^۲، ۲۰۰۹: ۲ و روث روک^۳، ۲۰۱۰: ۹) در قرن حاضر، محیط‌های نامطلوب شهری، مشکلات بسیاری را، برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب‌های اجتماعی مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ باخته و نرخ جرائم افزایش یافته است. بر این اساس، بسیاری از صاحب‌نظران بر

-
1. crime prevention through environmental design
 2. Jane Jacobs
 3. Kelly and et.al
 4. Rothrock

این عقیده‌اند که با دستکاری فضاها و تلطیف آن، می‌توان احساس امنیت را در افراد افزایش داد (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۳). یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و فضای نامناسب، از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع و محلات ناامن، از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. (زیویار و درودی، ۱۳۹۴: ۴). بیشتر جرم‌ها وقتی اتفاق می‌افتد که مرتکب، فرصت را مناسب می‌بیند. این مهم به این دلیل است که معماری بعضی از شهرها، فرصت ارتکاب جرم را برای مرتکبان افزایش می‌دهد (مشهدی‌نفرشی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). عدالت فضایی در سطح شهر نیز مبین چگونگی امنیت شهر و شهروندان است، خدمات عمومی شهر و تجهیزات و تأسیسات شهری متفاوت باعث افزایش یا کاهش امنیت شهری می‌شود. به‌طور کلی نحوه توزیع امکانات رفاهی در سطح فضای شهری و حس امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت و کمیت محیط شهری دارد (زیویار و درودی، ۱۳۹۴: ۴).



شکل ۱. امنیت شهری و توزیع عادلانه امکانات شهری
(زیویار و درودی، ۱۳۹۴: ۵)

شاخص‌هایی نظیر شاخص‌های کارکردی- عملکردی (کیفیت شبکه معابر، اهمیت وجود روشنایی در سطح شهر، معابر و خیابان‌ها، پوشش گیاهی، مزارع کشاورزی، تأسیسات و تجهیزات شهری، زمین‌های بایر، متروکه، خرابه و بی‌استفاده؛ شاخص‌های کالبدی (جمعیت و تراکم خانوار، وضعیت حمل و نقل و ترافیک، وضعیت کمی شبکه معابر، وضعیت اشتغال، فضای سبز و بوستان‌ها، تراکم ساختمانی)؛ کارکردهای تفریحی- ورزشی؛ کاربری‌های ویژه و کاربری‌های مزاحم در امنیت شهری دخیل‌اند و توزیع عادلانه آن در شهر باعث افزایش یا کاهش امنیت شهروندان می‌شوند (جوزف و اسچولز، ۲۰۰۰).

این نظریه توسط «اسکار نیومن^۱» با عنوان «فضای قابل دفاع^۲» مطرح شد که به مفهوم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی برمی‌گردد. (محمودی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۸). این نظریه ارتباطی بسیار قوی با سرمایه اجتماعی دارد. امنیت جامعه مستلزم مشارکت طراحان، پلیس و ساکنان است. چندین عامل سرمایه اجتماعی باعث مشارکت مردم در فضای قابل دفاع و تبدیل جامعه به امنیت شهروندی می‌شود، شامل: حضور فعال انسان در برنامه‌های پلیسی؛ تناسب و تجانس فضای اجتماعی برای تعامل با پلیس؛ مراقبت و حمایت انسانی و به تعبیری ایجاد حس تعهد مسئولیت‌پذیری برای مشارکت در اهداف امنیتی و انتظامی پلیس؛ پایش محیط زندگی و همکاری با پلیس و نگهبان محله؛ نظم، به معنی نریختن زباله، رعایت قوانین محیطی، رعایت حقوق شهروندی، برقراری آرامش در ساعت‌های گوناگون؛ تقویت ارتباط اجتماعی با سازمان‌های محلی پلیس و همسایگان برای شناسایی نقاط جرم‌خیز (عشایری و عجمی، ۱۳۹۳: ۶۲).

مدیریت یکپارچه شهری: مدیریت یکپارچه برای هماهنگی بیشتر، گفتگو و ایجاد تفاهم میان بخش‌های مختلف به‌عنوان یک ضرورت در مدیریت شهری مطرح شده است. تعاریف متعددی برای مدیریت یکپارچه در سطح جهان و در زمینه‌های مختلف ارائه شده است. بر مبنای تعریف سازمان تجارت جهانی، مدیریت یکپارچه فرآیندی پویا است که در آن راهبردهای هماهنگ تهیه و برای تخصیص منابع محیطی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی اجرا می‌شود تا اهداف چندگانه مدیریت و توسعه پایدار به‌دست آید (سورسنن^۳، ۱۹۹۳: ۵۳). مدیریت شهری یکپارچه و هماهنگ به مرکزیت شهرداری و نهادهای مرتبط (دولتی و عمومی) با نظارت و سیاست‌گذاری محلی شورای شهر، الگوی عمومی مورد نظر در تدوین وظایف شهرداری‌ها است. بدون وحدت و هماهنگی بین سازمانی، کارآیی و اثربخشی مجموعه اقدامات و منابع صرف شده برای اداره امور شهر و توسعه آن دچار مشکلات گوناگون می‌شود. در همین چارچوب، جامعیت فضایی و عملکردی شهرداری و مدیریت شهری در هدایت و کنترل تمام فضای شهر و همه ابعاد حیات شهری ضرورتی اصولی

1. Oscar Newman
2. Defensible Space
3. Sorensen

است (کاظمیان و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۶). در این ارتباط، رویکرد سیستمی به‌عنوان یک اصل بنیادین در مدیریت یکپارچه شناخته می‌شود. استفاده از رویکرد سیستمی برای اولین بار به‌منظور ارتقای اثربخشی و کارایی مدیریت شهری در نیجریه توسط «هری گرین»^۱ پیشنهاد شد (استرن^۲، ۱۹۹۳: ۱۳۴) پس از آن به‌تدریج ادبیات سیستمی جایگاه خود را در حوزه مدیریت شهری پیدا کرده و لزوم نگرش سیستمی به مدیریت شهری مورد تأکید مکرر علمی و عملی قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر استفاده از رویکرد سیستمی از حد یک امکان فراتر رفته و به یک ضرورت تبدیل شده است. بکارگیری رویکرد سیستمی را در ارتقای خدمات شهری و کیفیت زندگی شهری مؤثر می‌داند (چاکرابارتی^۳، ۲۰۰۱: ۳۳) اما برخی از پژوهشگران پا را از این فراتر گذاشته و معتقداند که فقط در صورت نگاه کل‌نگر و یکپارچه می‌توان انتظار داشت که مدیریت شهری در عمل موفق شود (وونگ، ۲۰۰۶: ۶۴۸). یکی از ارکان مدیریت یکپارچه شهری که در نگرش‌های سیستمی به آن تأکید می‌شود سازمان پلیس است، که وظیفه ذاتی آن تأمین نظم و امنیت و به عبارتی مدیریت انتظامی شهر است و این مهم بدون همکاری و تعامل سازنده با مجموعه سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار اداره امور شهر و همچنین جلب مشارکت حداکثری شهروندان، محقق نمی‌شود.

روش‌شناسی

روش پژوهش از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل فرماندهان و مدیران انتظامی، مدیران و کارشناسان ارشد سازمان‌های متعدد شهری در مرکز استان و شهرستان‌های استان کرمانشاه است. براساس بررسی‌های میدانی، تعداد جامعه آماری این پژوهش ۳۰۰ نفر تخمین زده شده که بر مبنای فرمول کوکران تعداد ۱۶۸ نفر به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. افراد نمونه بیشتر در فرآیندهای تصمیم‌گیری دخیل بوده و بیشترین ارتباط در موضوع سازمان‌های مرتبط در بحث مدیریت شهری داشته‌اند. پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته به‌عنوان

-
1. Harry A. Green
 2. Stern
 3. Chakrabarti

ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات بوده است. پرسش‌نامه محقق‌ساخته برگرفته از بررسی تحلیل عاملی کلان است که شامل ۲۸ پرسش کلیدی در زمینه امنیت در محیط‌های شهری است. این ابزار پژوهش متشکل از پرسش‌های توصیفی و تحلیلی است. پرسش‌های تحلیلی بر مبنای طیف لیکرت ارایه شده که عبارت‌اند از بسیار کم، کم، تا حدی (متوسط)، زیاد، بسیار زیاد و به ترتیب نمره ۱ الی ۵ در نظر گرفته شده است. روایی صوری ابزار سنجش توسط ۳ نفر از متخصصان مدیریت انتظامی و ۳ نفر از متخصصان حوزه مدیریت شهر مورد تأیید قرار گرفت و پایایی درونی پرسش‌ها با ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و میزان آن ۰/۹۱۰ در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار بود. به‌منظور شناخت تأثیر متغیرهای توصیفی بر نگرش پاسخ‌گویان، آزمون‌های میانگین، انحراف معیار، واریانس، دامنه تغییرات و جدول فراوانی و خی‌دو به کار رفت. در سطح تحلیل استنباطی به‌منظور شناخت نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گزاره‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری، از آزمون «تی تک نمونه‌ای» استفاده شد. آزمون «کایزر مایر» و «بارتلت» (KMO) برای سنجش کفایت نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی به کار رفت. تحلیل عاملی اکتشافی^۱ به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) برای تحلیل عاملی ۲۸ مؤلفه مطرح شده در زمینه جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری محدود پژوهش استفاده شد. سرانجام از آزمون «تی تک نمونه‌ای» برای تجزیه و تحلیل معناداری همکاری نیروی انتظامی با ۲۶ سازمان و نهاد دست‌اندرکار بخش‌های گوناگون مدیریت شهری، در سطح قابل قبول، بهره‌گیری شد.

یافته‌ها

یافته‌ها در این مقاله در دو بخش یافته‌های توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیرهای توصیفی شامل سن، سطح سواد و سنوات خدمت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش حداقل سن افراد مشارکت‌کننده برابر با ۳۰ سال و بالاترین سن برابر با ۵۳ سال است و بنابراین دامنه تغییرات سنی برابر با عدد ۲۳ و همچنین میانگین سنی برابر با ۴۱/۱۶ سال است. بخش دوم یافته‌های توصیفی به سابقه خدمتی پاسخ‌گویان می‌پردازد.

1. Principal component analysis (PCA)

براساس یافته‌های پژوهش حداقل سابقه خدمتی پاسخ‌گویان در پژوهش برابر با ۳ سال و حداکثر سابقه خدمتی برابر با ۳۰ سال است. همچنین میانگین سنوات خدمتی پاسخ‌گویان برابر با ۲۰/۹۲ سال است. این وضعیت نشان می‌دهد که درصد زیادی از پاسخ‌گویان دارای تجربه و سابقه خدمتی بالایی هستند و بیشتر در پایان دهه دوم خدمتی و آغاز دهه سوم خدمت قرار دارند.

به منظور شناخت رابطه متغیرهای توصیفی (وضعیت سنی و سابقه خدمتی پاسخ‌گویان) با دیدگاه آن‌ها نسبت به متغیرهای مطرح شده در زمینه جایگاه نیروی انتظامی در مدیریت یکپارچه، از آزمون همبستگی پیرسون بهره‌گیری شد. در شاخص وضعیت سنی پاسخ‌گویان، یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که از میان ۲۸ گزاره مطرح شده، تنها رابطه معنادار با گزاره «جایگاه نیروی انتظامی در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت در ابعاد گوناگون مدیریت یکپارچه شهری» قابل مشاهده است و عامل سن، رابطه معناداری با ۲۷ گزاره دیگر ندارد. در سطح معناداری ۰/۰۲ ارتباط مثبت و معناداری میان سن پاسخ‌گویان و دیدگاه آن‌ها نسبت به نقش پلیس در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت وجود دارد؛ به طوری که افراد مسن‌تر نگرش مثبت‌تری نسبت به این مقوله دارند. یافته‌های پژوهش در شاخص سن خدمتی با سه گزاره: «همکاری نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول برای کمک به حفاظت از امنیت محیط زیست شهری» با میزان همبستگی ۰/۳۹۲ و سطح معناداری (۰/۰۰۰)؛ «تعامل و همکاری با سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از پهنه‌های محیط زیست شهری» با میزان همبستگی ۰/۳۰۰ و سطح معناداری (۰/۰۱)؛ و گویه «فرهنگ‌سازی اجتماعی و ایجاد الگوی رفتار شهروندی مناسب برای رعایت قوانین و مقررات رانندگی» با میزان همبستگی ۰/۴۵۸ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است (جدول ۱). این یافته‌ها نشان می‌دهد که بالارفتن سن خدمتی پاسخ‌گویان سبب ایجاد نگرش معنادار در زمینه نقش پلیس در کمک به تأمین امنیت محیط زیست شهری و حفاظت از محیط زیست شهری و همچنین فرهنگ‌سازی رفتارهای ترافیکی شهروندان می‌شود.

جدول ۱. رابطه سن خدمتی پاسخ‌گویان با نگرش آن‌ها نسبت به جایگاه پلیس در کمک به حفاظت از محیط زیست شهری

سن خدمتی پاسخ‌گویان	فرهنگ‌سازی اجتماعی و ایجاد الگوی رفتار شهروندی مناسب برای رعایت قوانین و مقررات رانندگی	تعامل و همکاری با سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از پهنه‌های محیط زیست شهری	همکاری نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول برای کمک به حفاظت از امنیت محیط زیست شهری
همبستگی پیرسون	۰/۴۵۸	۰/۳۰۰	۰/۳۹۲
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰
تعداد کل	۱۶۸	۱۶۸	۱۶۸

یافته‌های سطح سواد پاسخ‌گویان: از مجموع ۱۶۸ نفر مشارکت‌کننده، سواد ۱۱ نفر (۶/۵۵٪) در سطح دیپلم، ۹۲ نفر (۵۴/۷۶٪) در سطح کاردانی و کارشناسی، و ۶۵ نفر (۳۸/۶۹٪) در سطح کارشناسی ارشد و بالاتر است. بر این اساس می‌توان گفت بیشتر پاسخ‌گویان دارای سطح تحصیل دانشگاهی هستند. برای شناخت تأثیر سطح سواد پاسخ‌گویان بر نگرش آن‌ها نسبت به گزاره‌های مورد مطالعه در زمینه جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری از آزمون «خی‌دو» بهره‌گیری شد. براساس نتایج این آزمون از ۲۸ گزاره مطرح شده تأثیر سطح سواد پاسخ‌گویان بر ۸ مورد معنادار مشاهده شد (جدول ۲).

جدول ۲. آزمون خی‌دو، ارتباط سطح سواد پاسخ‌گویان با جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در کرمانشاه

ردیف	مؤلفه‌ها	ارزش خی	سطح معناداری (P < ۰/۰۵)
۱	موفقیت پلیس در جلب اعتماد مردم برای مشارکت شهروندی در زمینه انتظام‌بخشی اجتماعی و کمک به تأمین امنیت جمعی	۱۲/۵۰	۰/۰۴
۲	ظرفیت‌های فرماندهی نیروی انتظامی کرمانشاه برای تأمین نظم و امنیت و توسعه شهری الکترونیک	۱۷/۳۹	۰/۰۰
۳	تعامل نیروی انتظامی با مجموعه اصناف و اتحادیه‌های شهری برای ارائه خدمات مناسب به شهروندان بر پایه نظم و امنیت عمومی	۱۳/۷۵	۰/۰۲

ادامه جدول ۲. آزمون خی دو، ارتباط سطح سواد پاسخ‌گویان با جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در کرمانشاه

۰/۰۲	۱۰/۴۵	تعامل نیروی انتظامی با سازمان‌های مسئول در زمینه فرهنگی و اجتماعی برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ارزشی	۴
۰/۰۳	۳۴/۱۳	تمایل مدیران سازمان‌ها و نهادهای اجرایی نقش‌آفرین در مدیریت شهری برای همکاری و تعامل با نیروی انتظامی برای تحقق اهداف مدیریت یکپارچه شهری	۵
۰/۰۳	۱۳/۴۲	جایگاه نیروی انتظامی در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت	۶
۰/۰۱	۱۶/۳۰	همکاری نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول برای کمک به حفاظت از امنیت محیط زیست شهری	۷
۰/۰۰	۳۶/۲۶	همکاری نیروی انتظامی با شهرداری‌ها در ارتباط با رعایت ضوابط و قواعد شهرسازی توسط شهروندان	۸

برآیند یافته‌های این بخش از پژوهش بیانگر این است که پاسخ‌گویان دارای سطح تحصیل بالاتر، اعتقاد معناداری نسبت به همکاری و تعامل بین سازمانی پلیس در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری دارند. از آزمون «تی تک نمونه‌ای» برای شناخت نگرش پاسخ‌گویان نسبت به جایگاه نیروی انتظامی با مدیریت یکپارچه شهری در استان کرمانشاه بهره‌گیری شد. در این راستا عدد ۳ در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای به‌عنوان حد میانه یا حد قابل قبول در نظر گرفته شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که همه ۲۸ گزاره، دلالت‌کننده بر جایگاه نیروی انتظامی در ابعاد گوناگون مدیریت یکپارچه شهری، عدد میانگین بالاتر از عدد ۳، به‌عنوان حد میانه و قابل قبول است. همچنین در همه موارد میانگین بدست آمده در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند و بنابراین می‌توان گفت با توجه به این وضعیت، یافته‌های بدست آمده ناشی از شانس و تصادف نیست (جدول ۳). این وضعیت بیانگر تأیید نقش معنادار پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در چارچوب همه گزاره‌های مورد نظر است.

جدول ۳. نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گزاره‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

سطح معناداری	آماره تی	نمره معیار	انحراف استاندارد	میانگین	متغیر
۰/۰۰	۵/۴۱	۳	۰/۷۶	۳/۵۸	اراده عملی سطوح فرماندهی و مدیریتی نیروی انتظامی برای جلب همکاری مجموعه سازمان‌های فعال در مدیریت شهری برای پیشگیری از انواع جرم
۰/۰۰	۶/۲۹	۳	۰/۷۰	۳/۶۲	موفقیت پلیس در جلب اعتماد مردم برای مشارکت شهروندی در زمینه انتظام‌بخشی اجتماعی و کمک به تأمین امنیت جمعی
۰/۰۰	۰۲/۱۲	۳	۰/۶۷	۴/۴۱	آمادگی نیروی انتظامی در همکاری مؤثر با ستاد مدیریت بحران در مواقع وقوع بحران‌های شهری
۰/۰۰	۷/۳۰	۳	۰/۹۷	۴/۰۰	ظرفیت واقعی نیروی انتظامی برای ایجاد تعامل سازنده با سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت شهری
۰/۰۰	۴/۰۶	۳	۰/۷۳	۳/۴۲	ظرفیت‌های سازمان نیروی انتظامی کرمانشاه برای تأمین نظم و امنیت و توسعه شهری الکترونیک
۰/۰۰	۶/۴۹	۳	۰/۷۶	۳/۷۰	تأثیرگذاری نیروی انتظامی در کمک به ایجاد وفاق و هماهنگی و همسویی میان ارکان و عناصر نقش‌آفرین در چارچوب مدیریت شهری
۰/۰۰	۵/۰۱	۳	۰/۷۶	۳/۵۴	تعامل نیروی انتظامی با مجموعه اصناف و اتحادیه‌های شهری برای ارائه خدمات مناسب به شهروندان بر پایه نظم و امنیت عمومی
۰/۰۰	۰۶/۲۷	۳	۰/۷۲	۳/۶۴	تشریک مساعی و روابط نیروی انتظامی با بخش‌های مختلف اقتصادی و فعالان عرصه بازار در تأمین امنیت فضای کسب‌وکار شهری
۰/۰۰	۸/۴۴	۳	۰/۶۷	۳/۸۰	همکاری نیروی انتظامی با سازمان‌های متولی مدیریت مکان‌های تفریحی و گردشگری برای تأمین نظم و امنیت آن‌ها
۰/۰۲	۲/۳۶	۳	۰/۷۸	۳/۲۶	تعامل نیروی انتظامی با سازمان‌های مسئول در امور فرهنگی و اجتماعی شهرها برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ارزشی در بین شهروندان
۰/۰۴	۲/۰۶	۳	۰/۸۲	۳/۲۴	تمایل مدیران سازمان‌ها و نهادهای اجرایی نقش‌آفرین در مدیریت شهری برای همکاری و تعامل با نیروی انتظامی برای تحقق اهداف مدیریت یکپارچه شهری
۰/۰۰	۸/۶۵	۳	۰/۷۴	۳/۹۰	توان مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی سازمانی نیروی انتظامی در فرایند مدیریت یکپارچه شهری
۰/۰۰	۴/۸۵	۳	۰/۷۹	۳/۵۴	جایگاه نیروی انتظامی در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت در ابعاد گوناگون مدیریت یکپارچه شهری
۰/۰۰	۱۰/۰۳	۳	۰/۶۱	۳/۸۶	ظرفیت سازمانی نیروی انتظامی در راستای ایجاد تعامل و همسویی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی برای تحقق مدیریت یکپارچه شهری

ادامه جدول ۳. نگرش پاسخ‌گویان نسبت به گزاره‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

۰/۰۰	۴/۴۱	۳	۰/۵۱	۳/۳۲	قوانین و مقررات جاری در سازمان نیروی انتظامی در تسهیل همکاری بین سازمانی و رفع ناهماهنگی‌های موجود در مدیریت شهری	۱۵
۰/۰۰	۶/۱۵	۳	۰/۶۴	۳/۵۶	نقش تعاملی نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی شهرهای استان	۱۶
۰/۰۰	۳/۷۸	۳	۰/۷۸	۳/۴۲	همکاری نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول برای کمک به حفاظت از امنیت محیط زیست شهری	۱۷
۰/۰۰	۱۴/۹۲	۳	۰/۶۷	۴/۴۲	نقش تعاملی نیروی انتظامی با شهرداری‌ها و سازمان‌های مسئول در حوزه حمل‌ونقل در مدیریت ترافیک شهری	۱۸
۰/۰۰	۱۱/۴۶	۳	۰/۷۸	۴/۲۶	نقش تعاملی نیروی انتظامی با شهرداری‌های استان، قوه قضائیه و دیگر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در کنترل معضلات ناشی از حاشیه‌نشینی شهری	۱۹
۰/۰۰	۱۲/۷۱	۳	۰/۷۵	۴/۳۴	هماهنگی و همکاری نیروی انتظامی با مجموعه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در پیشگیری و خنثی‌سازی اقدامات تروریستی	۲۰
۰/۰۰	۹/۵۰	۳	۰/۸۰	۴/۰۸	همکاری نیروی انتظامی با سازمان‌های خدمات‌رسان برای تأمین امنیت زیرساخت‌های شهری	۲۱
۰/۰۰	۶/۰۴	۳	۰/۷۵	۳/۶۴	مشارکت نیروی انتظامی با شهرداری‌های استان و دیگر سازمان‌های مسئول برای جلوگیری از تغییر غیراصولی کاربری اراضی شهری و ساخت‌وسازهای غیرقانونی	۲۲
۰/۰۰	۱۱/۰۷	۳	۰/۶۴	۴/۰۰	مشارکت نیروی انتظامی با قوه قضائیه و سایر نهادهای خدمات‌رسان اجتماعی در پیشگیری و کنترل مسائل اجتماعی	۲۳
۰/۰۰	۵/۸۷	۳	۰/۸۲	۳/۶۸	تأثیرگذاری نیروی انتظامی در فرهنگ‌سازی اجتماعی و ایجاد الگوی رفتار شهروندی مناسب برای رعایت قوانین و مقررات رانندگی	۲۴
۰/۰۰	۳/۸۶	۳	۰/۷۰	۳/۳۸	عملکرد نیروی انتظامی در تعامل و همکاری با سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از پهنه‌های محیط زیست شهری، به‌ویژه پارک‌ها و تفرجگاه‌های طبیعی	۲۵
۰/۰۰	۵/۷۴	۳	۰/۸۶	۳/۷۰	تعامل نیروی انتظامی با سازمان آموزش و پرورش و دیگر نهادهای آموزشی برای فرهنگ‌سازی و احترام به حقوق شهروندی	۲۶
۰/۰۱	۲/۵۸	۳	۰/۶۶	۳/۲۴	همکاری نیروی انتظامی با شهرداری‌ها در ارتباط با رعایت ضوابط و قواعد شهرسازی توسط شهروندان	۲۷
۰/۰۰	۴/۷۳	۳	۰/۸۴	۳/۵۶	ارتباط نیروی انتظامی با بخش دانشگاهی و مراکز آموزش عالی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی	۲۸

از تحلیل عاملی اکتشافی^۱ به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) برای تحلیل ۲۸ پرسش

بهره‌گیری شد، تا براساس همبستگی میان مؤلفه‌ها یا متغیرهای مورد نظر، دسته‌بندی آن‌ها در عوامل مختلف، امکان‌پذیر شد. در اجرای تحلیل عاملی مقدار ویژه بیشتر از عدد ۱، و همچنین بار عاملی بیشتر از عدد ۰/۵ مبنای استخراج عوامل قرار گرفت. از شیوه «چرخش واریماکس»^۱ نیز برای چرخش عوامل استفاده شد. پس از استخراج عامل‌ها، برای سنجش اعتبار و همبستگی درونی عامل‌های استخراج شده، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از آن‌ها به‌طور جداگانه محاسبه شد. در گام نخست به‌منظور اطمینان از کفایت نمونه‌گیری و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، آزمون «کایزرمایر (KMO)» و «بارتلت» به‌کار رفت؛ با توجه به اینکه شاخص «کایزرمایر» برابر با ۰/۷۶۲ با سطح معناداری ۰/۰۰ بدست آمد، نتایج آزمون بیانگر کفایت حجم نمونه و مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل است (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون کایزرمایر و بارتلت برای تشخیص کفایت نمونه‌گیری

شاخص کایزرمایر (KMO)	۰/۷۶۲
آزمون بارتلت	مجذور خی
	درجه آزادی
	سطح معناداری
	۵۰۹/۱۱۷۳
	۳۷۸
	۰/۰۰۰

براساس نتایج ماتریس چرخش‌یافته، ۷ عامل با مقدار ویژه بالاتر از ۱ و بار عاملی بالاتر از ۰/۵ استخراج شد. مجموع درصد واریانس تبیین شده ۷ عامل استخراج شده برابر با ۷۶/۰۳ بدست آمد. مقدار کل آلفای کرونباخ برای ۲۸ پرسش اصلی برابر با ۰/۹۱ بدست آمد. سپس برای سنجش اعتبار و همبستگی درونی عامل‌های استخراج شده، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از آن‌ها به‌طور جداگانه محاسبه شد. این مقدار برای ۷ عامل با کمینه ۰/۷۶۴ و بیشینه ۰/۹۸۶ محاسبه شد، که در کل بیانگر پایایی ابزار سنجش در همه عامل‌ها است. در ادامه عامل‌های هفتگانه براساس ماهیت مؤلفه‌های دسته‌بندی شده نامگذاری شدند (جدول ۵).

عامل اول: «نقش تعاملی نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های نقش‌آفرین در مدیریت یکپارچه شهری» با ضریب پایایی ۰/۸۵ بیشترین مقدار واریانس تبیین شده را (۱۶/۰۴٪) نشان می‌دهد،

و ۷ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طورکلی این ۷ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم با «نقش تعاملی نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های نقش‌آفرین در مدیریت یکپارچه شهری» تأکید دارند. عامل دوم: «سرمایه اجتماعی پلیس در مدیریت یکپارچه شهری» با ضریب پایایی $0/83$ مقدار واریانس تبیین شده برابر با $(48/15\%)$ را نشان می‌دهد و ۵ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی این ۵ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش «سرمایه اجتماعی پلیس در مدیریت یکپارچه شهری» تأکید دارند. عامل سوم: «رفتار شهروندی، امنیت محیط زیست و میراث فرهنگی شهری» با ضریب پایایی $0/79$ مقدار واریانس تبیین شده برابر با $(4/13\%)$ را نشان می‌دهد، و ۶ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طورکلی این ۶ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش پلیس در «رفتار شهروندی، امنیت محیط زیست و میراث فرهنگی شهری» تأکید دارند.

جدول ۵. تحلیل عاملی مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

عامل	مؤلفه (جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه)	میانگین	انحراف معیار	بار عاملی	مقدار ویژه	% واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
عامل اول: نقش تعاملی نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های	همکاری نیروی انتظامی با سازمان‌های خدمات‌رسان در زمینه تأمین امنیت زیرساخت‌های شهری (مانند: آب، برق، گاز، مخابرات)	۴/۸	۰/۸	۰/۷۸	۸/۸۶	۱۶/۰۴	۰/۸۵
	هماهنگی و همکاری نیروی انتظامی با مجموعه دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در پیشگیری و خنثی‌سازی اقدامات تروریستی	۴/۳۴	۰/۷۴	۰/۷۷			
نقش تعاملی نیروی انتظامی با بخش‌های مختلف اقتصادی و فعالان عرصه بازار در تأمین امنیت فضای کسب‌وکار شهری	همکاری و روابط نیروی انتظامی با بخش‌های مختلف اقتصادی و فعالان عرصه بازار در تأمین امنیت فضای کسب‌وکار شهری	۳/۶۴	۰/۷۲	۰/۷۳			
	نقش تعاملی نیروی انتظامی با شهرداری‌ها و سازمان‌های مسئول در حوزه حمل‌ونقل در مدیریت ترافیک شهری	۴/۴۲	۰/۶۷	۰/۷۱			
نقش تعاملی نیروی انتظامی با شهرداری‌های استان، قوه قضائیه و دیگر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در کنترل معضلات ناشی از حاشیه‌نشینی شهری	نقش تعاملی نیروی انتظامی با شهرداری‌های استان، قوه قضائیه و دیگر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در کنترل معضلات ناشی از حاشیه‌نشینی شهری	۴/۲۶	۰/۷۷	۰/۶۹			
	تأثیرگذاری نیروی انتظامی در کمک به ایجاد وفاق و هماهنگی و همسویی میان ارکان و عناصر نقش‌آفرین در چارچوب مدیریت شهری	۳/۷۰	۰/۷۶	۰/۶۵			
نقش‌آفرین در مدیریت یکپارچه شهری	ظرفیت واقعی نیروی انتظامی برای ایجاد تعامل سازنده با سازمان‌های مردم‌نهاد	۴/۰۰	۰/۹۶	۰/۵۷			
	آمادگی نیروی انتظامی در همکاری مؤثر با ستاد مدیریت بحران در مواقع وقوع بحران‌های شهری (بحران‌های طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان؛ بحران‌های اجتماعی مانند جنگ، تروریسم، شورش و ناآرامی)	۴/۱۴	۰/۶۷	۰/۵۱			
	همکاری نیروی انتظامی با سازمان‌های متولی مدیریت مکان‌های تفریحی و گردشگری برای تأمین نظم و امنیت آن‌ها	۳/۸۰	۰/۶۷	۰/۴۶			

ادامه جدول ۵. تحلیل عاملی مولفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

عامل	مؤلفه (جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه)	میانگین	انحراف معیار	بار عاملی	مقدار ویژه	% واریانس تبیین شده	آفای کرونباخ
عامل دوم: سرمایه اجتماعی پلیس	توان مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی سازمانی نیروی انتظامی در فرایند مدیریت یکپارچه شهری	۳/۹۰	۰/۷۳	۰/۸۶	۴/۳۳	۱۵/۴۸	۰/۸۳
	میزان موفقیت پلیس در جلب اعتماد مردم برای مشارکت شهروندی در زمینه انتظام‌بخشی اجتماعی و کمک به تأمین امنیت عمومی	۳/۶۲	۰/۶۹	۰/۷۷			
	تعامل نیروی انتظامی با سازمان آموزش پرورش و دیگر نهادهای آموزشی برای مشارکت در فرهنگ‌سازی و احترام به حقوق شهروندی	۳/۷۰	۰/۸۶	۰/۷۳			
	اراده عملی سطوح فرماندهی و مدیریتی نیروی انتظامی برای جلب مشارکت مجموعه سازمان‌های فعال در مدیریت شهری برای پیشگیری از انواع جرم	۳/۵۸	۰/۷۵	۰/۶۶			
	ارتباط نیروی انتظامی با بخش دانشگاهی و مراکز آموزش عالی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی موجود	۳/۵۶	۰/۸۳	۰/۵۹			
عامل سوم: رفتار شهروندی پلیس، امنیت محیط زیست و میراث فرهنگی	عملکرد نیروی انتظامی در تعامل و همکاری با سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از بهنه‌های محیط زیست شهری، به‌ویژه پارک‌ها و تفرج‌گاه‌های طبیعی	۳/۳۸	۰/۶۹	۰/۸۲	۲/۱۵	۱۳/۰۴	۰/۷۹
	همکاری نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول برای کمک به حفاظت از امنیت محیط زیست شهری	۳/۴۲	۰/۷۸	۰/۷۳			
	تأثیرگذاری نیروی انتظامی در فرهنگ‌سازی اجتماعی و ایجاد الگوی رفتار شهروندی مناسب برای رعایت قوانین و مقررات رانندگی	۳/۶۸	۰/۸۱	۰/۶۸			
	نقش تعاملی نیروی انتظامی با دیگر سازمان‌های مسئول در حراست و حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی شهرها	۳/۵۶	۰/۷۸	۰/۶۷			
	تعامل نیروی انتظامی با مجموعه اصناف و اتحادیه‌های شهری برای ارائه خدمات مناسب به شهروندان بر پایه نظم و امنیت عمومی	۳/۵۷	۰/۷۶	۰/۶۰			
	نقش نیروی انتظامی در مدیریت نظم و امنیت عمومی با تأکید بر توسعه شهر الکترونیکی	۳/۴۲	۰/۷۳	۰/۵۳			
عامل چهارم: نیروی انتظامی و تحقق قوانین و مقررات شهرسازی	همکاری نیروی انتظامی با شهرداری‌ها در ارتباط با رعایت ضوابط و قواعد شهرسازی توسط شهروندان	۳/۲۴	۰/۶۵	۰/۸۴	۱/۹۶	۱۰/۶۵	۰/۸۰
	مشارکت نیروی انتظامی با شهرداری‌های استان و دیگر سازمان‌های مسئول در زمینه جلوگیری از تغییر غیراصولی کاربری اراضی شهری و ساخت‌وسازهای غیرقانونی	۳/۶۴	۰/۷۴	۰/۷۳			
عامل پنجم: نیروی انتظامی و تحقق فرهنگ اسلامی	تعامل نیروی انتظامی با سازمان‌های مسئول امور فرهنگی و اجتماعی شهرها برای ترویج سبک زندگی اسلامی و ارزشی در بین شهروندان	۳/۲۶	۰/۷۷	۰/۸۱	۱/۶۱	۹/۰۳	۰/۸۱
	جایگاه نیروی انتظامی در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت در ابعاد گوناگون مدیریت یکپارچه شهری	۳/۵۴	۰/۷۹	۰/۷۸			

ادامه جدول ۵. تحلیل عاملی مولفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری

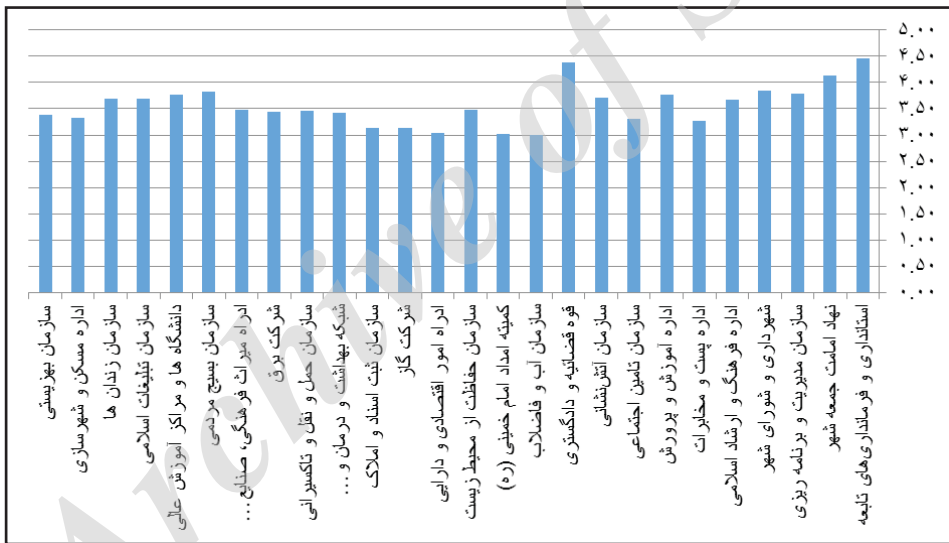
عامل	مؤلفه (جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه)	میانگین	انحراف معیار	بار عاملی	مقدار ویژه	% واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
عامل ششم: مدیریت یکپارچه جرم و مسایل اجتماعی	مشارکت نیروی انتظامی با قوه قضائیه و سایر نهادهای خدمات‌رسان اجتماعی در پیشگیری و کنترل مسائل اجتماعی	۴/۰۰	۰/۶۳	۰/۷۴	۱/۳۰	۶/۰۳	۰/۷۸
	تمایل مدیران سازمان‌ها و نهادهای اجرایی نقش‌آفرین در مدیریت شهری برای همکاری و تعامل با نیروی انتظامی برای تحقق اهداف مدیریت یکپارچه شهری	۳/۸۶	۰/۶۰	۰/۴۶			
عامل هفتم: ظرفیت سازمانی و منابع انسانی پلیس	قوانین و مقررات جاری نیروی انتظامی در تسهیل همکاری بین سازمانی و رفع ناهماهنگی‌های موجود در مدیریت شهری کارآمد	۳/۳۲	۰/۵۱	۰/۷۳	۱/۰۷	۵/۳۶	۰/۷۲
	ظرفیت سازمانی نیروی انتظامی در راستای ایجاد تعامل و همسویی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی برای تحقق مدیریت یکپارچه شهری	۳/۲۴	۰/۸۲	۰/۵۴			

عامل چهارم: «نیروی انتظامی و تحقق قوانین و مقررات شهرسازی» با ضریب پایایی ۰/۸۰ مقدار واریانس تبیین شده برابر با (۱۰/۶۵٪) را نشان می‌دهد و ۲ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی این ۲ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش پلیس در «تحقق قوانین و مقررات شهرسازی» تأکید دارند.

عامل پنجم: «نیروی انتظامی و کمک به تحقق فرهنگ اسلامی» با ضریب پایایی ۰/۸۱ و مقدار واریانس تبیین شده برابر با (۹/۰۳٪) را نشان می‌دهد و ۲ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی این ۲ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش پلیس در «تحقق فرهنگ اسلامی» تأکید دارند. عامل ششم: «مدیریت یکپارچه جرم و مسایل اجتماعی» با ضریب پایایی ۰/۷۸ مقدار واریانس تبیین شده برابر با (۹/۰۳٪) را نشان می‌دهد و ۲ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی این ۲ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش پلیس در زمینه «مدیریت یکپارچه جرم و مسایل اجتماعی» تأکید دارند. عامل هفتم: «ظرفیت سازمانی و منابع انسانی پلیس» با ضریب پایایی ۰/۷۲ بیشترین مقدار واریانس تبیین شده را (۹/۰۳٪) نشان می‌دهد و ۲ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی این ۲ مؤلفه بر مفاهیمی تأکید می‌کنند که به‌طور مستقیم بر نقش پلیس در زمینه

«مدیریت یکپارچه جرم و مسایل اجتماعی» تأکید دارند.

روابط نیروی انتظامی با سازمان‌های مدیریت شهری: بخش سوم یافته‌ها، دیدگاه مشارکت‌کنندگان درباره روابط پلیس با ۲۶ مورد از سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینه‌های گوناگون مدیریت شهری است. براساس نتایج بدست آمده از داده‌های آزمون «تی» می‌توان گفت بالاترین سطح همکاری معنادار میان پلیس با دیگر سازمان‌های مدیریت شهری در چارچوب نظام مدیریت یکپارچه به‌ترتیب با «استانداری و فرمانداری‌ها»، «قوه قضائیه و دادگستری» و «نهاد ائمه جمعه و جماعت» اختصاص دارد. با توجه به ماهیت و گستردگی روابط این دسته از سازمان‌ها یا نهادها با نیروی انتظامی، این بخش از یافته‌ها نیز طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد.



شکل ۲. روابط پلیس با مجموعه سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار مدیریت شهری

نتیجه‌گیری

رسیدن به توسعه پایدار شهری قبل از هر چیز نیازمند سیستم مدیریت شهری یکپارچه در سطوح گوناگون سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا بوده است. (علوی و همکاران، ۱۳۹۴). در ایران حدود ۲۵ سازمان یا نهاد در امور مختلف مدیریت شهری دخالت دارند. ساختار مدیریتی نامطلوب با ساختار وظایف بخشی هر روز مسائل و مشکلات پیچیده تری را بر مشکلات مدیریت

شهرها می‌افزاید. زیرا هر سازمانی با توجه به امکانات و ابعاد کاری خود به اداره امور شهری مربوط به خود می‌پردازد و رویکردی جامع در این زمینه وجود ندارد (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۲). سازمان پلیس با رده‌های مختلف تخصصی آن یکی از ارکان حیاتی مدیریت شهری است. حفاظت از امنیت و کمک به ایجاد امنیت به‌عنوان وظیفه ذاتی پلیس از نیازهای اساسی توسعه پایدار شهری به شمار می‌آید. مطابق نظریه معروف و پرکاربرد سلسله مراتب نیازهای پنجگانه انسان از آبراهام مازلو نیازهای ایمنی و امنیت بعد از نیازهای فیزیولوژیک انسان (مانند: آب، غذا، سرپناه یا مسکن، نیاز جنسی) در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. همچنین از دیدگاه توماس هابز^۱ (۱۶۷۹-۱۵۸۸ میلادی) نظریه پرداز برجسته فلسفه سیاسی و نویسنده اثر مشهور لویاتان^۲ امنیت برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که حاضر است به خاطر دستیابی به آن بخشی از آزادی‌های خود را واگذار کند؛ از این روی یکی از مهمترین دلایل گرایش افراد به تشکیل دولت را در نیاز به امنیت می‌بیند و معتقد است شهروندان با واگذاری بخشی از اختیارات و آزادی‌های خود به حاکمیت در مقابل آن طلب امنیت می‌کنند (Cited in: P. Richmond, 2008:32). در نتیجه می‌توان گفت تأمین ایمنی و امنیت در گردشگری از اساسی‌ترین اقدامات مدیریت اثرات گردشگری شناخته می‌شود و دولت‌ها نقش درجه اول در این زمینه برعهده دارند.

امنیت شهری از ابعاد گوناگونی برخوردار است، مانند: امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و فرهنگی، امنیت محیط زیست، امنیت روانی، امنیت قضایی، امنیت حمل‌ونقل، امنیت زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و... لزوم دستیابی به چشم‌انداز مطلوب در این زمینه‌ها، همکاری، تعامل و مشاقت همه‌جانبه پلیس با دیگر نهادها و سازمان‌های مدیریت شهری را ایجاب می‌کند. به‌طور نمونه در حوزه امنیت عمومی نیازمند همکاری با سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی (به‌ویژه شهرداری‌ها)، در حوزه امنیت اجتماعی پلیس نیازمند همکاری با سازمان‌های فعال در امور اجتماعی، در زمینه فرهنگی نیازمند سازمان‌های متولی فرهنگ، در زمینه امنیتی و سیاسی نیازمند همکاری نهاد‌های سیاسی (به‌ویژه فرمانداری‌ها)،

1. Thomas Hobbes

2. Leviathan

در زمینه امنیت محیط زیست نیازمند همکاری با سازمان‌های متولی محیط زیست و منابع طبیعی و... است. در پرسش‌نامه پژوهش حاضر، براساس ادبیات نظری و تجربی، مؤلفه‌هایی مورد استفاده قرار گرفت که دربرگیرنده ابعاد گوناگون امنیت شهری در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری هستند.

براساس خلاصه یافته‌های توصیفی پژوهش، تحلیل ویژگی‌های سنی نشان می‌دهد که افرادی که از سطح سنی بالاتری برخوردارند از انسجام فکری و معناداری در زمینه مؤلفه «جایگاه نیروی انتظامی در کمک به تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت» برخوردارند. به طوری که بالاترین سن پاسخ‌گویان به بالاترین سطح همبستگی در این زمینه برمی‌گردد. این مؤلفه جایگاه نیروی انتظامی به‌عنوان پلیس مسلمان و ارزشی را نشان می‌دهد که در کنار اصول دینی و ارزشی به تحقق اصول مدنی و مردم‌سالاری نیز پایبند است.

تحلیل ارتباط سطح تحصیل پاسخ‌گویان با نگرش آن‌ها درباره جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری در استان کرمانشاه نشان داد که بالاترین سطح تحصیل پاسخ‌گویان سبب ایجاد انسجام فکری و معنادار در ارتباط با ۸ مورد از مؤلفه‌های جایگاه پلیس در مدیریت شهری یکپارچه می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان افزایش سن خدمتی پاسخ‌گویان با ۳ مورد از گزاره‌های مطرح شده به‌عنوان مؤلفه‌های تبیین‌کننده جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری رابطه معناداری وجود دارد. دو مورد از این سه مؤلفه به‌طور مستقیم با بعد امنیت محیط زیستی پیوند دارد و یک مورد نیز بر نقش و جایگاه پلیس در ایجاد الگوی رفتار شهروندی مناسب برای رعایت قوانین و مقررات رانندگی تأکید دارد که خود بیانگر اهمیت اخلاق شهروندی در امنیت ترافیکی یا امنیت حمل‌ونقل است.

در گام اول از تحلیل مؤلفه‌های مطرح شده درباره جایگاه پلیس در مدیریت یکپارچه شهری از آزمون «تی تک نمونه‌ای» استفاده شد. این بخش از یافته‌ها نشان می‌دهد که در همه موارد جایگاه نیروی انتظامی در کمک به ابعاد گوناگون مدیریت یکپارچه شهری بالاتر از سطح میانگین تأیید می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که در حالت مقایسه، برخی از گزاره‌های مورد نظر از سطح معناداری و ارزش بالاتری برخوردارند. از مجموع یافته‌های این بخش از

پژوهش چنین برمی‌آید که اگرچه جایگاه پلیس در همه زمینه‌های مدیریت شهری فراتر از حد قابل قبول، معنادار و قابل تأیید است، اما میزان همکاری پلیس در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری با قوه قضاییه، شهرداری‌ها، دیگر سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی و مدیریت بحران‌های شهری از اعتبار و اهمیت بیشتری نزد پاسخ‌گویان برخوردار است. البته با توجه به مأموریت سازمانی نیروی انتظامی دستیابی به چنین یافته‌هایی دور از انتظار به نظر نمی‌رسد و طبیعی است. می‌توان نتیجه گرفت که نیروی انتظامی با چنین سازمان‌هایی ارتباط‌ها و پیوندهای عمیق‌تری نسبت به دیگر نهادها و سازمان‌ها داشته باشد. نتایج تحلیل عاملی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه شهری، ۷ عامل با بار عاملی بالاتر از ۰/۵ و مقدار ویژه بالاتر از عدد ۱ را آشکار ساخت. آنچه از تحلیل مجموعه عوامل تأثیرگذار بر جایگاه نیروی انتظامی در مدیریت یکپارچه شهری برمی‌آید، دربردارنده طیف گسترده‌ای از مفاهیم گوناگونی است که ابعاد متنوع همکاری پلیس در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری را دربرمی‌گیرد.

عامل نخست، طیف گسترده‌ای از ابعاد گوناگون امنیت انتظامی در پیوند با مدیریت یکپارچه شهری را دربرمی‌گیرد. عامل دوم، بیشتر بر بعد اجتماعی امنیت انتظامی در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری تأکید دارد؛ عامل سوم بیشتر بعد فرهنگی و محیط زیست شهری در امنیت انتظامی را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد؛ عامل چهارم بیشتر اعمال قانون در زمینه شهرسازی و کاربری زمین شهری را دربرمی‌گیرد؛ عامل پنجم بیشتر بر امنیت فرهنگی و حقوق شهروندی تأکید دارد؛ عامل ششم بیشتر بعد اجتماعی امنیت انتظامی و پیشگیری از مسائل اجتماعی در چارچوب مدیریت شهری را دربرمی‌گیرد؛ عامل هفتم بیشتر بر جایگاه نهادی و ظرفیت سازمانی نیروی انتظامی در چارچوب مدیریت یکپارچه شهری تأکید دارد.

سرانجام در بخش سوم، پرسش‌نامه پژوهش رابطه نیروی انتظامی با ۲۶ مورد از سازمان‌های دست‌اندرکار مدیریت شهری را مورد بررسی قرار داد. براساس نتایج این بخش از پژوهش همکاری سازمان نیروی انتظامی با ۲۱ مورد از مجموعه سازمان‌های دست‌اندرکار مدیریت شهری فراتر از حد متوسط معنادار است. براساس نتایج بدست آمده از داده‌های آزمون «تی» می‌توان گفت بالاترین سطح همکاری معنادار میان پلیس با دیگر سازمان‌های مدیریت شهری در چارچوب

نظام مدیریت یکپارچه به ترتیب به «استانداری و فرمانداری‌ها» و «قوه قضائیه و دادگستری»، و «نهاد ائمه جمعه و جماعت» اختصاص دارد. با توجه به ماهیت و گستردگی روابط این دسته از سازمان‌ها یا نهادها با نیروی انتظامی، این بخش از یافته‌ها نیز طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد.

فرجام سخن اینکه ضرورت تشکیل مدیریت واحد شهری از جمله با مشارکت فعال پلیس موضوعی ضروری و انکارناپذیر است. دستیابی به چنین شرایطی از طریق افزایش کارایی مدیریت یکپارچه شهری، اداره امور شهری به‌ویژه در زمینه تأمین امنیت را سامان می‌بخشد. اهمیت این موضوع تا جایی است که در کشورهای پیشرفته بسیاری از نهادهای دست‌اندرکار اداره امور مختلف شهری از جمله سازمان پلیس در حوزه درون شهری، سازمانی است که وابسته به شهرداری‌ها بوده و زیر نظر آن‌ها کار می‌کند. انجام پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند از طریق شناخت اختلاف نظر و دیدگاه‌ها و همچنین شناسایی دیدگاه‌های مشترک، بستر نظری لازم برای رسیدن به تفاهم و همفکری در زمینه مدیریت یکپارچه شهری را فراهم سازد. همچنین مطالعه دیدگاه شهروندان نسبت به جایگاه پلیس در چارچوب مدیریت یکپارچه، راهکار پژوهشی دیگری است که می‌تواند دستاوردهای کاربردی و بسیار ارزشمندی را به همراه داشته باشد. زیرا شهروندان به‌عنوان ذینفعان اصلی مدیریت یکپارچه شهری شناخته می‌شوند و دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه بدون مشارکت فکری و عملی آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. برخی پیشنهادهای کاربردی در این زمینه به شرح زیر است:

۱. تقویت بسترهای قانونی برای همکاری پلیس با مجموعه ارکان مدیریت شهری در پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی.
۲. تسهیل تعامل پلیس با سایر ارکان اداره امور شهر برای جلب مشارکت شهروندان برای دستیابی به سطح مطلوب نظم و امنیت اجتماعی.
۳. بسترسازی قانونی برای هماهنگی هرچه بیشتر پلیس و سایر ارکان اداره امور شهر در آمادگی برای مقابله با انواع بحران‌های تهدیدکننده نظم و امنیت، مانند: بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی، طبیعی و ...
۴. برگزاری نشست‌های هماهنگی برای اقدامات مشترک و برنامه‌ریزی شده متناسب با شرایط

- مختلف زمانی و مکانی برای خدمت‌رسانی بهتر به شهروندان.
۵. برگزاری دوره‌ای مانور مشترک، فرماندهی و عملیات هماهنگ، تشکیل ستاد بحران در صورت لزوم، پشتیبانی و حضور نیروها در نقاط نیازمند مدیریت میدانی.
۶. تشکیل کمیته‌های مشترک پلیس با دیگر سازمان‌ها در زمینه‌های مختلف و مورد نیاز مدیریت شهری.
۷. ایجاد هماهنگی میان پلیس با مدیریت شهری در توسعه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مدیریت ترافیک، ایجاد نظم و انضباط ترافیکی، اصلاح و بهبود رفتار رانندگی مردم و فرهنگ ترافیک، مدیریت ترافیک ساکن و تأمین پارکینگ.
۸. تلاش جمعی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در مدیریت یکپارچه شهری، از طریق برنامه‌هایی که از قبل با مشارکت و هماهنگی دست‌اندرکاران مربوطه تدوین شده باشد.

فهرست منابع

- ادیبی‌سعدی‌نژاد، فاطمه و عظیمی‌آزاده (۱۳۹۰). تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی، نمونه موردی شهر بابلسر. فصلنامه آمایش محیط. شماره ۱۵.
- الیاس‌زاده‌مقدم، سیدنصرالدین (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نمونه موردی بخش مرکزی شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا. (۴۴)، ۴۴-۵۸.
- چیمبا، شایبر (۱۳۸۲). مدیریت شهر: خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه. پرویز زاهدی (مترجم). چاپ دوم. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- دویران، اسماعیل؛ کاظمیان، غلامرضا؛ مشکینی، ابوالفضل، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و کلهرنیا، بیژن (۱۳۹۱). مدیریت یکپارچه شهری در ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرهای میانی ایران؛ مورد پژوهی: زنجان و همدان، مدیریت شهری، ۱۰(۳۰)، ۵۳-۶۸.
- زیویار، پروانه و درودی، محمدرضا (۱۳۹۴). سنجش نقش عدالت فضایی بر امنیت مناطق ۴ و ۱۸ شهر تهران. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. شماره ۹.
- سازمان ملل (۱۳۸۸). شهرها در فرآیند جهانی‌شدن، گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی، مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل. رضا پورخرمدند (مترجم)، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط زیست شهری. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- عزیزی، محمد مهدی؛ ابویی‌اردکان، محمد و نوری، نسرین (۱۳۹۰). نقش قوانین و مقررات در تحقق مدیریت یکپارچه در مجموعه شهری تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۴(۶)، ۱۱۷-۱۲۸.
- عشایری، طه و عجمی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی و رفتار پلیس در جامعه شهری. فصلنامه

علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت. (۴)۷.

علوی، سیدعلی؛ مولانی قلیچی، محمد؛ جوادزاد اقدم، هادی و نجف پور؛ بهمن (۱۳۹۴). اولویت بندی فضایی سیستم مدیریت یکپارچه مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران). نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۵۱، ۲۲-۴۷. قالیباف، محمدباقر؛ حافظنیا، محمدرضا و محمدرضا، علی (۱۳۹۲). نقش تقسیمات شهر در مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: شهر تهران). جغرافیا. ۱۱(۳۷)، ۴۷-۶۹.

کارگر، بهمن (۱۳۸۶). حاشیه نشینی و امنیت شهری. جغرافیا. دوره جدید، ۵(۱۴ و ۱۵). کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۱). امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها. جلد دوم، مدیریت شهری و شهرداری ها در ایران. تهران: انتشارات سازمان شهرداری ها. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی (مترجم). تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدی، کاوه (۱۳۸۷). مدیریت شهری یکپارچه و اهداف ایران ۱۴۰۰. ماهنامه شهرداری ها، شماره ۹۲. محمودی جانکی، فیروز و قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. فصلنامه حقوق (۲)، ۳۴۵-۳۶۷.

مشهدی تفرشی، کامران (۱۳۹۳). نقش دانش انتظامی در مدیریت شهری با رویکرد پیشگیری از وقوع جرایم. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی غرب استان تهران. ۱(۳).

Chakrabarty, B. K. (2001). Urban Management: Concepts, Principles, Techniques and Education, Cities, 18(5).

Joseph S. , Schultz J. ,(2000). Castan M, The International Covenant On Civil and Political Rights: Cases, Materials and Commentary, Oxford University Press.

Kelly, Eric Damian; Crabtree, Dain (2009). Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design. Ball State University. Muncie. Indiana.

Rothrock, Sara E (2010). Antiterrorism design and public safety: reconciling CPTED with the post, Massachusetts Institute of Technology. Dept. of Urban Studies and Planning.

Sorensen. J, (1993). The international proliferation of integrated coastal zone management efforts, ocean and coastal management, 45-81

Wong, Siu-Wai, Bo-sin Tang, Basil Van Horen (2006). Strategic Urban Management in China: A Case Study of Guangzhou Development District. Habitat International. 30, 645-667.

Richmond P., (2008). The western roots of human security. Human In: Research Associate Centre for International and Strategic Studies Sorpong Peou, Sorpong Peou (edited), Security in East Asia: Challenges for Collaborative Action. Routledge, pp. 29-45.

Archive of SID